



## بررسی پیوستار گذرایی در فعل‌های گروهی فارسی

نجمه خدری<sup>۱</sup>

فرهاد ساسانی<sup>۲</sup>

### چکیده

دستورنویسان و زبان‌شناسان بسیاری رفتار نحوی و معنایی فعل‌ها در زبان فارسی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در مقاله‌ی حاضر نیز با تقسیم فعل‌ها به دو دسته‌ی ساده و گروهی، پیوستار گذرایی در فعل‌های گروهی فارسی را بررسی خواهیم کرد. بر این اساس، پس از گردآوری شماری از فعل‌های گروهی به‌کاررفته در گفتار روزمره که دارای سازه‌های فعلی «کردن»، «زدن» و «گفتن» اند و سپس دسته‌بندی آنها بر اساس نظام گذرایی هلییدی، پیوستار گذرایی در این‌گونه فعل‌ها با بررسی ۲۰ جمله تجزیه و تحلیل شده است. به این ترتیب، تغییر دوباره‌ی میزان گذرایی در فعل‌های گروهی گذرا و حتی ناگذر، پیوستاری‌بودن ساختار گذرایی در این فعل‌ها را نشان می‌دهد. همچنین، مشاهده می‌شود که فعل‌های گروهی در پیوستار معنایی قرار دارند؛ به این معنی که در این‌گونه فعل‌ها برخی سازه‌های فعلی به واژگانی‌شدن و برخی به دستوری‌شدن نزدیک‌ترند. بازنمایی پیوستار فرآیندها نیز از دیگر موارد طرح‌شده در مقاله‌ی حاضر است.

**کلیدواژه‌ها:** فعل گروهی، پیوستار گذرایی، سازه‌ی فعلی، ساختار گذرایی، فرآیند.

✉ nkhedri63@yahoo.com

✉ fsasani49@yahoo.com

۱- کارشناس ارشد زبان‌شناسی

۲- دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه الزهرا (س)

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۵/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲۷

## مقدمه

از دیرباز، زبان و بررسی همه‌جانبه‌ی آن به لحاظ نظری و کاربردی از جمله مباحثی بوده که همواره توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. از آن جا که موضوع کلیدی این بررسی‌ها، یعنی زبان، پدیده‌ای اجتماعی است و در حیات انسانی و به‌طور کلی در تمامی عرصه‌های زندگی انسان به عنوان جزء جدانشدنی به شمار می‌آید و به‌گونه‌ای اندیشه‌ی آدمی را باز می‌تاباند، علاوه بر زبان‌شناسان، اندیشمندان بسیاری با زمینه‌ها و رویکردهای علمی متفاوت از ابعاد متفاوت و متنوعی به بررسی این پدیده مبادرت ورزیده‌اند. با این وجود هنوز هم ناگفته‌های بسیاری درباره‌ی چیستی و عمل کرد زبان با توجه به جنبه‌های متفاوت وجود دارد.

در مقاله‌ی حاضر که با هدف بررسی یکی از اجزای زبانی مطرح شده است، مقوله‌ی پیوستار<sup>۱</sup> را از منظر ساختار نحوی و معنایی زبان، در فعل گروهی فارسی تحلیل می‌کنیم. به این ترتیب، مجموعه‌ای از فعل‌های گروهی حاصل از جمع‌آوری شماری از جمله‌های تولیدشده در گفتار روزمره‌ی افراد را در نظر می‌گیریم. در این جا باید به این نکته اشاره کرد که گونه‌ی زبانی جمله‌های یادشده فارسی گفتاری معیار بوده و جمله‌ها به صورت اتفاقی جمع‌آوری شده است. سپس داده‌های به‌دست‌آمده را به گونه‌ای دسته‌بندی می‌کنیم که در هر دسته، فعل‌های گروهی دارای سازه‌ی فعلی مشابه قرار گیرند؛ شایان گفتن است که دلیل کاربرد بسیار سه سازه‌ی فعلی «کردن»، «زدن» و «گرفتن» در ساخت فعل‌های گروهی فارسی، به بررسی باهم‌آیی سازه‌های غیرفعلی و این سه سازه‌ی فعلی در ۲۰ جمله می‌پردازیم. از آن جا که برای بررسی مقوله‌ی پیوستار ناگزیر از طرح مبحث گذرایی خواهیم بود، جفت‌های متناظر این فعل‌ها که با تغییر گذرایی<sup>۲</sup> روبه‌رو شده‌اند را در دسته‌ای دیگر قرار می‌دهیم. در مرحله‌ی بعد با توجه به نوع فرآیند<sup>۳</sup> فعل‌های گروهی دسته‌بندی‌شده، مقوله‌ی پیوستار را به صورت جزئی‌تر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

به گفته‌ی جهان‌خانی (۱۳۷۲: ۹۵-۹۷)، متعدی بودن، مستلزم مؤلفه‌های عدیده‌ای است که تنها یکی از آن مؤلفه‌ها حضور مفعول فعل است و گذرایی را باید به‌عنوان ویژگی بندها در یک پیوستار محسوب کرد. وی گذرایی را به دو دسته‌ی گذرایی به میزان بالا<sup>۴</sup> و گذرایی به میزان پایین<sup>۵</sup> تقسیم می‌کند. به عقیده‌ی جهان‌خانی، در ساختار گذرایی، حضور مفعول به عنوان دومین شرکت‌کننده ضروری است، اما میزان گذرایی بالا به وجود مؤلفه‌های دیگر بستگی دارد. وی معتقد است بندهای دارای گذرایی به میزان بالا از پتانسیل مجهول شدن برخوردارند، اما بندهای دارای گذرایی به میزان پایین به طور طبیعی در زبان فارسی مجهول نمی‌شوند.

1. Continuum
2. Transitivity
3. Process
4. High Transitivity
5. Low Transitivity
6. Participant

حق‌بین (۱۳۸۳: ۶۱-۶۲) معتقد است نامتعدی بودن تنها در فعل‌های لازم متجلی نمی‌شود، بلکه ساخت‌های لازم یکی از انواع نامتعدی‌ها در زبان فارسی است؛ ضمناً تنها مظهر نامتعدی بودن، حضور نداشتن مفعول در جمله نیست، بلکه مشخصه‌های دیگری نیز می‌تواند در این سنجش ملاک قرار گیرد. وی ضمن بررسی مشخصه‌های موردنظر، به این نکته اشاره می‌کند که برخلاف نگرش سنتی که در آن فعل‌ها به دو گروه لازم و متعدی تقسیم می‌شود، فعل‌ها را بایستی در رابطه‌ای پیوستاری لحاظ نمود که در دو انتهای آن، متعدی‌ترین و نامتعدی‌ترین فعل‌ها با توجه به ملاک‌های مورد نظر قرار می‌گیرند و در حد فاصل آنها فعل‌های دیگر با رابطه‌ای تدریجی مرتب می‌شوند. به‌طور کلی، او (۱۳۸۳: ۹۳) در بررسی ساخت‌های نامتعدی با توجه به ملاحظات نحوی و معنایی، به این نتیجه می‌رسد که اگرچه متعدی بودن به لحاظ نحوی قطعی و دوگانه است و برخی ساخت‌ها به طور مطلق متعدی و برخی نامتعدی‌اند، اما مابه‌ازای معنایی آنها در رابطه‌ی پیوستاری قرار دارند و در برخی موارد، ساخت نامتعدی بیش از آن که نامتعدی باشد، بیشتر رفتار متعدی از خود نشان می‌دهد.

به گفته‌ی حق‌بین (۱۳۸۵: ۷۱-۷۲)، به دلیل تفکیک‌نشدن نقش نحوی از نقش معنایی - منطقی سازه‌های اصلی بخصوص موضوع‌ها در تعریف‌های عموم دستورنویسان ایرانی از جمله‌ی متعدی و جمله‌ی نامتعدی، امکان دستیابی به نتیجه‌ای قاطع درباره‌ی تمایز متعدی از نامتعدی با توجه به بسیاری از جمله‌های فارسی، مشکل و حتی ناممکن به نظر می‌رسد. وی با شاهد آوردن چندین جمله، پیوستاری بودن متعدی را نشان می‌دهد. برای مثال، وی بر این عقیده است که دو جمله‌ی «مهرداد سعید را کتک زد» و «مهرداد سعید را می‌شناسد» به یک اندازه متعدی نیستند. از سوی دیگر، جمله‌هایی مانند «علی با مادرش زندگی می‌کند» وجود دارند که در نگرش سنتی به هیچ وجه متعدی نیستند، اما وجود موضوع دوم در آنها ضروری است و حذف آن ساخت جمله را نادرستی می‌کند.

### پیوستار گذرایی

هلیدی<sup>۱</sup> و متیسن<sup>۲</sup> (۲۰۰۴: ۱۷۰-۱۷۷) مقوله‌های دستوری زبان در چارچوب بند را متشکل از سه مؤلفه‌ی «فرآیند»، «شرکت‌کننده‌ها» و «شرایط»<sup>۳</sup> می‌دانند. در این میان، فرآیند آن است که طی گذر زمان صورت می‌گیرد و به وسیله‌ی نقش نحوی گروه فعلی نشان داده می‌شود و شرکت‌کننده‌ها عامل‌ها و موضوع‌های دخیل در وقوع فرآیندند که به وسیله‌ی نقش نحوی گروه اسمی نشان داده می‌شوند. آنها در ادامه، سه فرآیند اصلی و سه فرآیند بینابینی را در نظام گذرایی مطرح می‌کند. سه نوع اصلی فرآیندها در نظام گذرایی عبارت است از فرآیندهای «مادی»، «ذهنی» و «رابطه‌ای». در سه مرز میان فرآیندهای اصلی، سه فرآیند «رفتاری»، «کلامی» و «وجودی» مشخص می‌شود.

1. Halliday
2. Matthiessen
3. Circumstances

هاپر<sup>۱</sup> و تامپسون<sup>۲</sup> (۱۹۸۰: ۲۵۱، ۲۸۰) ده مؤلفه‌ی معنایی را ارائه داده‌اند که به گونه‌ای پیوستاری، ویژگی گذرایی را نشان می‌دهد. شاخص سنجش میزان گذرایی، شاخصی قطعی نیست؛ به عبارت دیگر، نمی‌توان بندها را به گذرا و ناگذر تقسیم کرد، بلکه بندها می‌توانند گذرا با درجه‌ی بالا، با درجه‌ی متوسط و یا با درجه‌ی پایین و بینابین باشند. شایان گفتن است ده مؤلفه یادشده در زبان‌های مختلف دنیا به صورت صرفی- نحوی و یا معنایی در بند متجلی می‌شود.

براساس فرضیه‌ی هاپر و تامپسون (۱۹۸۰: ۲۵۳-۲۵۴)، مؤلفه‌های گذرایی در حد بالا و پایین عبارت است از:

الف) شرکت‌کننده: هیچ‌گونه انتقال‌پذیری‌ای صورت نمی‌گیرد، مگر آن که دست کم دو شرکت‌کننده وجود داشته باشد. هرچه تعداد شرکت‌کننده‌ها بیشتر باشد، میزان گذرایی بیشتر است.

ب) جنبشی‌بودن<sup>۳</sup>: ساخت گذرایی تمایل به نشان دادن عمل دارد تا حالت.

ج) جنبه<sup>۴</sup>: ناظر بر مشاهده‌ی عمل از نقطه‌ی پایانی است. در این صورت، غایت‌مندی<sup>۵</sup> در برابر غیر غایت‌مندی<sup>۶</sup> نشانه‌ی گذرابودن است.

د) لحظه‌ای‌بودن<sup>۷</sup>: آن است که بین آغاز و انجام یک عمل فاصله نباشد.

ه) ارادی‌بودن<sup>۸</sup>: ویژگی اراده در فعل‌های گذرا بیشتر است.

و) اثبات<sup>۹</sup>: ساخت مثبت نسبت به منفی از میزان گذرایی بیشتری برخوردار است.

ز) وجه<sup>۱۰</sup>: ناظر بر تمایز میان رمزگذاری‌های رویدادهای واقعی و غیرواقعی است. عملی که یا رخ نمی‌دهد و یا در جهان غیرواقعی اتفاق می‌افتد، نسبت به عملی که حقیقتاً در جهان واقعی رخ می‌دهد، از میزان گذرایی کمتری برخوردار است.

ح) عاملیت<sup>۱۱</sup>: هر چه عاملیت یا کنش‌گری بیشتر باشد، میزان گذرایی بیشتر است.

ط) تأثیرپذیری مفعول<sup>۱۲</sup>: ممکن است میزان تأثیرگذاری فاعل بر مفعول زیاد یا کم باشد، یعنی تأثیر کلی یا جزئی داشته باشد. بنابراین، تأثیرپذیری کلی میزان گذرایی بیشتری را نشان می‌دهد.

ی) ویژگی‌های مفعولی<sup>۱</sup>: این ویژگی‌ها شامل شش خصیصه است که درجه و میزان مفعول‌بودن را تعیین می‌کند. هرچه ویژگی مفعولی بیشتر باشد، میزان گذرایی بیشتر است. این خصیصه‌ها عبارت است از «خاص

1. Hopper
2. Thompson
3. Kinesis
4. Aspect
5. Telicity
6. Atelicity
7. Punctuality
8. Volitionality
9. Affirmation
10. Mode
11. Agency
12. Affectedness of object

بودن»<sup>۲</sup> در برابر «عام‌بودن»<sup>۳</sup>، «انسان و جان‌دار بودن» در برابر «بی‌جان بودن»، «مادی بودن»<sup>۴</sup> در برابر «انتزاعی بودن»<sup>۵</sup>، «فرد بودن» در برابر «جمع بودن»، «شمارش‌پذیری»<sup>۶</sup> در برابر «شمارش‌ناپذیری»<sup>۷</sup> و «ارجاعی»<sup>۸</sup> و «معرفه‌بودن» در برابر «غیرارجاعی»<sup>۹</sup> و «نکره‌بودن».

بر اساس فرضیه‌ی گذرای هاپر و تامپسون (۱۹۸۰: ۲۵۴)، هرچه مؤلفه‌ی گذرای در یک بند بیشتر باشد، آن بند گذراتر است.

### گذرایی در فعل گروهی فارسی

ساسانی (۱۳۹۰: ۸۲-۸۳) به جای فعل به اصطلاح مرکب، از «فعل گروهی» که دلالت بر ترکیب معنایی دارد تا ترکیب ساختاری و صرفی، استفاده می‌کند. این فعل‌ها، فعل‌هایی هستند که معنی‌ای که می‌تواند در یک فعل‌واژه بازنمایی شود را در بیش از یک واژه بازنمایی می‌کنند.

او (۱۳۹۰: ۸۲-۹۷)، ۵ دلیل را برای وجود فعل گروهی در فارسی متذکر می‌شود که عبارت‌اند از:

(۱) ساختار فعل‌های گروهی ترکیبی نیست.

(۲) استقلال معنایی سازه‌ی فعلی و غیرفعلی

(۳) جابه‌جایی و گسستگی سازه‌ی غیرفعلی

(۴) استقلال آوایی سازه‌ی غیرفعلی

(۵) استقلال سازه‌ی غیرفعلی: گسترش‌پذیری

ساسانی (۱۳۹۰: ۹۷) یکی از نمونه‌های بازنمایی فرآیندها در فارسی را در قالب فعل گروهی می‌داند. او (۱۳۹۰: ۹۹-۱۰۰) به نقل از هلیدی و متیسن (۲۰۰۴: ۱۹۲-۱۹۴) این‌گونه فعل‌های گروهی را در واقع دربرگیرنده‌ی یک فرآیند مادی در قالب یک فعل به همراه دامنه‌ی آن می‌داند و دامنه را به دو گونه‌ی «بوده»<sup>۱۰</sup> یا «هستار» و «فرآیند» تقسیم می‌کند.

بنابراین، الگوی پیشنهادی ساسانی درباره‌ی فعل‌های گروهی، به صورت «اسم یا گروه اسمی و عبارت حرف اضافه‌ای در مقام فرآیندنا (دامنه در مقام بوده یا فرآیند) + سازه‌ی فعل‌نما در نقش خودایستا» است؛ مانند:

1. Individuation of object
2. Proper
3. Common
4. Concrete
5. Abstract
6. Count
7. Mass
8. Referential
9. Non-referential
10. Entity

۱- غریب بلندی کشید.

دامنه فرآیند مادی (در کل تداعی فرآیند کلامی)

ساسانی (۱۳۹۰: ۱۰۱) به نوع دیگری از این گونه فعل‌ها اشاره می‌کند که به نظر می‌رسد شبیه فعل‌های گروهی عمل می‌کنند، اما در واقع فعل گروهی نیستند و در واژگان فهرست نمی‌شوند، زیرا بسیار زایاتر از آنها به نظر می‌رسند و ساختاری کاملاً نحوی دارند. این گونه در قالب سه الگوی زیر بازنمایی می‌شود:

الف) ویژگی (در قالب صفت) + فعل رابطه‌ای ایستا (است، هست، باش، بود)

ب) ویژگی + فعل رابطه‌ای آغازی (شو، شد، گشت، گرد)

پ) ویژگی + فعل مادی سببی (کن، کرد، ساز، ساخت، ...)

در اینجا باید گفت ویژگی همیشه صفت نیست و در مواردی می‌تواند اسم نیز باشد.

**سازه‌ی فعلی «کردن»**

با توجه به مدل هلیدی، سازه‌ی فعلی «کردن» فرآیند مادی و سازه‌ی غیرفعلی همان دامنه خواهد بود. بنابراین، از باهم‌آیی سازه‌ی فعلی «کردن» و سازه‌ی غیرفعلی، فعل گروهی‌ای به وجود می‌آید که به‌طور کلی می‌تواند نمایان‌گر فرآیندهای مختلف باشد.

به گفته‌ی هلیدی و متیسن (۲۰۰۴: ۱۷۹)، فرآیند مادی به انجام‌دادن و رخ‌دادن مربوط می‌شود و دارای دو شرکت‌کننده‌ی «کننده» و «هدف» یا «کنش‌پذیر» است.

هلیدی و متیسن (۲۰۰۴: ۱۸۰) بندهای مادی را به دو دسته‌ی گذرا و ناگذر تقسیم می‌کنند. در بندهای ناگذر، تنها شرکت‌کننده‌ی «کننده» و در بندهای گذرا، علاوه بر شرکت‌کننده‌ی «کننده»، شرکت‌کننده‌ی «هدف» نیز حضور دارد.

به این ترتیب، در باهم‌آیی فعل «کردن» با سازه‌ی غیرفعلی، فعل گروهی به‌وجودآمده می‌تواند گذرا و یا ناگذر باشد؛ مانند:

۱- بین یعنی می‌زنم هلاکت می‌کنم. (گذرا)

فرآیند هدف مادی کننده<sup>ش</sup>

۲- اون قدر به خونگی اونا رفت و آمد می‌کرد که نگو. (ناگذر)

فرآیند مادی کننده<sup>ش</sup>

شایان گفتن است در فارسی چنانچه ضمیر، مؤکد نباشد حذف می‌شود، اما شناسه همواره وجود دارد و به وسیله‌ی فعل جمله می‌توان آن را تشخیص داد که در این جا با نشانه‌ی «ش» نشان داده می‌شود.

در برخی از فعل‌های گروهی ناگذر، میزان گذرایی باز هم از قابلیت تغییر برخوردار بوده که این مسئله خود نشان‌دهنده‌ی پیوستاری بودن تغییر ساختار گذرایی در فعل‌های گروهی است. جمله‌ی ۲ اگرچه ناگذر است، اما تغییر سازه‌ی فعلی در این فعل گروهی باز هم منجر به تغییر میزان گذرایی می‌شود؛ مانند:

## ۳- اصلاً اون جا رفت و آمدی می‌شه. (تغییر میزان گذرایی)

کننده/ موجود فرآیند مادی/ وجودی

فرآیندهای وجودی، نشان‌دهنده‌ی وجودداشتن یا رخ‌دادن چیزی هستند. در این بندها تنها یک شرکت‌کننده به نام «موجود» وجود دارد (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۵۶). در اینجا نگارنده «شدن» در عبارت‌هایی مانند «رفت و آمدشدن» را به عنوان یک فعل دارای فرآیند مادی/ وجودی در نظر می‌گیرد، چون با نظر به مدل هلیدی فعل «شدن» در این گونه ساختارها از شرکت‌کننده‌ی «حامل» و «ویژگی» و یا «شناخته» و «شناسنده» برخوردار نیست و رخدادی در کار است.

بر پایه‌ی فرضیه‌ی گذرایی هاپر و تامپسون، نبود ملاک‌های «جنبشی‌بودن»، «ارادی‌بودن» و «عاملیت» در جمله‌ی ۳، میزان گذرایی این جمله را در مقایسه با جمله‌ی ۲ کاهش داده است. اگرچه ملاک‌های معنایی هاپر و تامپسون از نظر زبان‌شناسانی همچون تسونودا و حقی‌بین نیازمند اصلاح است (حقی‌بین، ۱۳۸۲: ۲۲۵-۲۲۸)، کاربرد فرضیه‌ی گذرایی آنها برای تعیین میزان گذرایی بالاتر و پایین‌تر فعل‌های گروهی و در نتیجه نشان‌دادن پیوستار در این فعل‌ها راه‌گشا است چون یکی از مباحث‌های مورد تأکید هاپر و تامپسون، پیوستاری‌بودن گذرایی است.

در اینجا ۲ جمله‌ی زیر را به عنوان شاهده‌ی بر گفته‌های یادشده در نظر می‌گیریم.

۴- هولت کردن حسابی‌ها. (گذرا)

فرآیند هدف مادی کننده<sup>ش</sup>

۵- هول کردی چقدر؛ چیزی نشده آخه. (ناگذر)

فرآیند ذهنی حس‌گر<sup>ش</sup>

به گفته‌ی هلیدی و متیسن (۲۰۰۴: ۱۹۷)، بندهای ذهنی بندهای حس‌کردن هستند. فرآیندهای ذهنی ضرورتاً به وسیله‌ی دو شرکت‌کننده که یکی «حس‌گر» و دیگری «پدیده» است، بازنمایی می‌شوند. اگرچه فعل‌های گروهی جمله‌های ۴ و ۵ در ظاهر یکسان هستند، با توجه به ملاحظات نحوی-معنایی، دارای پیوستار گذرایی متفاوت‌اند و می‌توان گفت به دلیل داشتن فرآیندهای مختلف، رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند. همچنین با توجه به فرضیه‌ی هاپر و تامپسون ملاک‌هایی مانند «شرکت‌کننده»، «جنبشی‌بودن»، «ارادی‌بودن» و «عاملیت» در جمله‌ی ۴ وجود دارد، حال آن‌که در جمله‌ی ۵ حضور چنین ویژگی‌هایی دیده نمی‌شود.

## سازه‌ی فعلی «زدن»

در باهم‌آیی سازه‌ی فعلی «زدن» و سازه‌ی غیرفعلی، فعل گروهی به‌وجودآمده می‌تواند گذرا و یا ناگذر باشد؛ مانند:

۶- آفرین! لباساتو تا بزَن. (گذرا)

هدف فرآیند مادی کننده<sup>ش</sup>

۷- اه اه! ریشاتو بزَن رسیده زیر پات. (ناگذر)

فرآیند مادی کننده<sup>ش</sup>

در ادامه تغییر گذرایی در جمله‌ی ۶ را بررسی می‌کنیم.

۸- هزار بار بهت گفتم دوست ندارم جلد کتابم تا بخوره.

هدف فرآیند مادی

همان‌طور که می‌بینیم، در نتیجه‌ی تبدیل سازه‌ی فعلی «زدن» در جمله‌ی ۶ به سازه‌ی فعلی «خوردن» در جمله‌ی ۸، تغییر گذرایی به وجود آمده و جمله‌ی گذرا به جمله‌ی ناگذر تبدیل شده است. به‌طور کلی، آنچه در بررسی‌های انجام‌شده دیده می‌شود آن است که تغییر میزان گذرایی در فعل‌های گروهی مادی دارای سازه‌ی فعلی «زدن» با تغییر فرآیند همراه نبوده و در بیشتر موارد با تبدیل شدن سازه‌ی فعلی «زدن» به «خوردن» ناگذرایی حاصل شده است. همچنین، شرکت‌کننده‌ی «کننده» حذف شده و شرکت‌کننده‌ی «هدف» جای آن را گرفته است.

جمله‌ی ۷ نیز اگرچه ناگذر است و در میان داده‌های گردآوری شده جفتی با سازه‌ی فعلی متفاوت دیده نشد که در مقایسه با فعل گروهی این جمله از میزان گذرایی بالاتر و یا پایین‌تر برخوردار باشد، در میان جمله‌های ناگذر، جمله‌هایی مشاهده می‌شود که با تغییر سازه‌ی فعلی در آنها میزان گذرایی کاهش پیدا کرده است؛ مانند:

۹- الف) یه مشت زد تو دهنش پسره. (ناگذر)

فرآیند مادی کننده

ب) مشتشو خوردی، درد داشت؟ (تغییر میزان گذرایی)

فرآیند مادی هدف

۱۰- الف) زنگ بزَن ببین کسی خونه هست یا نه. (ناگذر)

فرآیند مادی کننده<sup>ش</sup>

ب) هرچی تلفنشون زنگ خورد، کسی برنداشت. (تغییر میزان گذرایی)

هدف فرآیند مادی

۱۱- الف) یه سیلی بزَن تو گوشش حالش جا بیاد. (ناگذر)

فرآیند مادی کننده<sup>ش</sup>

ب) تا حالا دو بار از بابام سیلی خوردم. (تغییر میزان گذرایی)

فرآیند مادی هدف

همان‌گونه که در جمله‌های بالا مشاهده می‌شود تغییر سازه‌ی فعلی در جمله‌ی «الف» میزان گذرایی جمله‌ی «ب» را کاهش داده است. بر پایه‌ی فرضیه‌ی گذرایی هاپر و تامپسون می‌توان حضور برخی ملاک‌ها مانند «جنبشی‌بودن»، «ارادی‌بودن» و «عاملیت» در جمله‌های «الف» و نبودن این ویژگی‌ها در جمله‌های «ب» را دلیل کاهش تغییر گذرایی در این‌گونه موارد به حساب آورد. باید گفت در نمونه‌ها نیز در نتیجه‌ی



تغییر میزان گذرایی، تغییر فرآیند صورت نگرفته و طی تبدیل جمله‌های ناگذر به جمله‌هایی با میزان گذرایی پایین‌تر تنها شرکت‌کننده‌ی «کننده» حذف شده است. همچنین در تمامی جمله‌ها با میزان گذرایی پایین‌تر، شرکت‌کننده‌ی «هدف» یافت می‌شود. جمله‌های بالا با نشان‌دادن قابلیت تغییر دوباره‌ی میزان گذرایی در فعل‌های گروهی گذرا و حتی ناگذر، به خوبی بیان‌گر پیوستاری بودن ساختار گذرایی در فعل‌های گروهی‌اند.

### سازه‌ی فعلی «گرفتن»

در باهم‌آیی سازه‌ی فعلی «گرفتن» و سازه‌ی غیر فعلی، فعل گروهی به‌وجودآمده می‌تواند گذرا و یا ناگذر باشد؛ مانند:

۱۲- این خطو لاک بگیر . (گذرا)

هدف فرآیند مادی کننده<sup>ش</sup>

۱۳- به کمی از این جیگر بخور جون بگیر .

فرآیند مادی کننده<sup>ش</sup>

در میان داده‌های گردآوری‌شده جفتی با سازه‌ی فعلی متفاوت دیده نشد که در مقایسه با فعل گروهی جمله‌ی ۱۲ از میزان گذرایی بالاتر و یا پایین‌تر برخوردار باشد. به‌طور کلی، به‌نظر می‌رسد پیوستار تغییر گذرایی در باهم‌آیی سازه‌ی فعلی «گرفتن» و سازه‌ی غیرفعلی در مقایسه با دیگر سازه‌های فعلی از گوناگونی کمتری برخوردار است. به عبارت دیگر، با توجه به داده‌های بررسی‌شده، به نظر می‌رسد فعل‌های گروهی مادی دارای سازه‌ی فعلی «گرفتن» در دو سوی پیوستار گذرایی قرار می‌گیرند و میزان گوناگونی تغییرات گذرایی در این دسته از فعل‌ها محدود است. درباره‌ی جمله‌ی ۱۳ نیز اگرچه جمله‌ی ۱۴ مشاهده می‌شود کههدر آن سازه‌ی فعلی تغییر کرده است، به‌نظر می‌رسد در نتیجه‌ی تبدیل سازه‌ی فعلی «گرفتن» به «دادن»، تغییری در ساختار گذرایی صورت نگرفته است.

۱۴- از بس شکنجش دادن جون داد.

فرآیند مادی کننده<sup>ش</sup>

به‌نظر می‌رسد بر پایه‌ی فرضیه‌ی گذرایی هاپر و تامپسون، میزان گذرایی جمله‌ی ۱۴ در مقایسه با جمله‌ی ۱۳ تغییر نکرده است. شایان گفتن است فعل گروهی «جان‌دادن» از فعل‌هایی است که از نظر معنایی نیمه‌شفاف بوده و چون به شکل استعاری به جای واژه‌ی «مرگ» به‌کار می‌رود به فرآیند واژگانی شدن<sup>۱</sup> نزدیک است، اما این فرآیند هنوز به طور کامل اتفاق نیفتاده است.

شایان گفتن است در داده‌های گردآمده با موارد بی‌شماری از باهم‌آیی سازه‌های فعلی «گرفتن»، «خوردن» و «دادن» و سازه‌ی غیرفعلی برخورد شد که همگی در پیوستار معنایی قرار دارند. به عبارت دیگر، در باهم‌آیی سه جفت سازه‌ی فعلی یادشده و سازه‌ی غیرفعلی نمونه‌هایی یافت می‌شود که در آن ممکن است سازه‌ی

فعلی به واژگانی شدن نزدیک شده باشد، اما به دلیل آن که از نظر معنایی نیمه‌شفاف است در نیمه‌ی راه قرار دارد. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱۵- شام‌گرفتن / خوردن / دادن

۱۶- نان‌گرفتن / خوردن / دادن

در هر سه سازه‌ی فعلی مثال ۱۵، فعل از نظر معنایی شفاف است و از این رو هیچ یک از عبارتهای یادشده فعل گروهی نیست. در مثال ۱۶، «گرفتن» در «نان‌گرفتن» در معنای حقیقی آن به کار رفته است، در حالی که «نان‌خوردن» و «نان‌دادن» علاوه بر معنای حقیقی خود، معنای کلی‌تری داشته و در مواردی «خوردن» و «دادن» مشخصاً در معنای حقیقی استفاده نمی‌شوند، بلکه تا حدودی از معنای شفاف خود دور می‌شوند. از این رو، این دسته از فعل‌ها را فعل گروهی به حساب می‌آوریم؛ مانند:

۱۷- کل خانواده رو نون می‌ده.

۱۸- همه‌ی ما نون شما رو می‌خوریم.

در جمله‌ی ۱۷ «نان‌دادن» در معنای «نیاز کسی را تأمین کردن» به کار رفته و جمله‌ی ۱۸ نیز جفت متناظر جمله‌ی ۱۷ بوده که دستخوش تغییر گذرایی شده است. همچنین در بسیاری از جفتهای بررسی‌شده مانند «تحویل‌دادن/گرفتن»، «امتحان‌دادن/گرفتن»، «طلاق‌دادن/گرفتن»، «جان‌دادن/گرفتن»، «سفارش‌دادن/گرفتن» و غیره تغییر سازه‌ی فعلی، میزان گذرایی را به میزان قابل توجهی تغییر نمی‌دهد و به نظر می‌رسد میزان گذرایی جفتهای مورد نظر یکسان باشد.

به‌طورکلی، در فعل‌های گروهی می‌توان از «پیوستار استقلال معنایی فعل» سخن به میان آورد، به این معنی که هر چه فعل از نظر معنی ترکیبی فعل گروهی به سازه‌ی غیرفعلی وابسته‌تر باشد، دستوری‌تر شده است. به این ترتیب، سازه‌ی فعلی در فعل گروهی بیشتر کارکرد دستوری (زمان، شخص، شمار و گاه نمود) دارد تا واژگانی. همچنین بسیاری از این فعل‌های گروهی در واژگان ثبت نمی‌شوند (ساسانی، ۱۳۹۰: ۸۶).

در پایان بررسی سازه‌ی فعلی «گرفتن» باید گفت در جمله‌های گردآوری‌شده به نمونه‌هایی برخوردیم که به گونه‌ای نشان‌دهنده‌ی ویژگی دوگانگی فرآیندهای فرعی‌اند که در مرز میان فرآیندهای اصلی قرار دارند؛ مانند: ۱۹- بی‌خود واسه من ژست روشن‌فکری نگیر .

فرآیند رفتاری رفتارگرش

در جمله‌ی ۱۹ فعل گروهی علاوه بر آنکه نمایان‌گر فرآیند رفتاری است، تا حدودی ویژگی فرآیند مادی را نیز دارد. می‌توان گفت فرآیندها نیز مانند ساختار گذرایی در فعل‌های گروهی فارسی به صورت پیوستاری بازنمایی می‌شوند.

## نتیجه‌گیری

در مقاله‌ی حاضر، فعل‌های گروهی تشکیل‌شده از سازه‌ی غیرفعلی و سه سازه‌ی فعلی «کردن»، «زدن» و «گرفتن» را در ۲۰ جمله بررسی کردیم که این مجموعه از فعل‌های گروهی، از شماری از جمله‌های

به کاررفته در گفتار روزمره جمع‌آوری و به گونه‌ای دسته‌بندی شد که در هر دسته، فعل‌های گروهی دارای سازه‌ی فعلی مشابه قرار گیرند. سپس جفت‌های متناظر این فعل‌ها که با تغییر گذرای روبه‌رو شده‌اند را در دسته‌ی دیگری قرار دادیم. در مرحله‌ی بعد با توجه به نوع فرآیند فعل‌های گروهی دسته‌بندی‌شده، مقوله‌ی پیوستار را بررسی کردیم.

با نگاهی کلی به نتیجه‌های به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر می‌توان گفت میزان گذرای در فعل‌های گروهی گذرا و حتی ناگذر قابلیت تغییر دوباره دارد که این مسئله بیان‌گر پیوستاری بودن ساختار گذرای در فعل‌های گروهی است. مورد یادشده را بویژه در فعل‌های گروهی مادی می‌توان مشاهده کرد. همچنین باید گفت از باهم‌آیی برخی سازه‌های فعلی مانند «گرفتن»، «خوردن» و «دادن» و سازه‌ی غیرفعلی، فعل‌های گروهی‌ای به وجود می‌آید که همگی در پیوستار معنایی قرار دارند. به عبارت دیگر، در باهم‌آیی سازه‌های فعلی یادشده و سازه‌ی غیرفعلی نمونه‌هایی یافت می‌شود که در آن ممکن است سازه‌ی فعلی به واژگانیشن نزدیک شده باشد، اما به دلیل آن که از نظر معنایی نیمه‌شفاف است در نیمه‌ی راه قرار دارد. در نهایت، در این پژوهش به نمونه‌هایی برخوردیم که نشان می‌دهد فرآیندها نیز مانند ساختار گذرای در فعل‌های گروهی فارسی می‌توانند به صورت پیوستاری بازنمایی شوند. از این رو، به نظر می‌رسد در فعل‌های گروهی زبان فارسی دسته‌بندی فرآیندها توسط هلیدی در برخی موارد با تغییراتی روبه‌رو شده است.

## منابع

- حق‌بین، فریده (۱۳۸۲)، بررسی صوری، نقشی و شناختی تعدی در زبان فارسی، رساله‌ی دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- حق‌بین، فریده (۱۳۸۳)، بررسی ساخت‌های نامتعدی در زبان فارسی، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال ۱۳ و ۱۴، شماره ۴۸ و ۴۹، صفحات ۹۵-۶۱.
- حق‌بین، فریده (۱۳۸۵)، ساخت‌های نامتعدی و ژ - ساخت متعدی، دستور، شماره مسلسل ۲، صفحات ۷۱-۸۵.
- ساسانی، فرهاد (۱۳۹۰)، آیا انضمام و ترکیب در فعل فارسی توجیه‌پذیر است؟، مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی صرف، تهران: انجمن زبان‌شناسی ایران و اهورا، صفحات ۸۱-۱۰۶.
- Halliday, Michael Alexander Kirkwood; Matthiessen, Christian. (2004). *An Introduction to Functional Grammar*, London: Arnold.
- Hopper, Paul J; Thompson, Sandra A. (1980). "Transitivity in Grammar and Discourse", *Language*, vol. 56, no. 2, pp. 251-299.
- Jahankhani, Lotfollah. (1372). "On the Concept of Transitivity in Farsi". MA. Thesis, University of Tarbiat Modarres.